

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۸

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

سال هفتم، شماره ۲۸، بهار ۱۳۹۸

آسیب‌شناسی کنترل جمعیت در جامعه منتظر

سیدمسعود پورسیدآقایی^۱

حمزه ترابی^۲

چکیده

یکی از وظایف منتظران در عصر غیبت تشکیل حکومت اسلامی است. این باورداشت با تکیه بر دیدگاه زمینه‌سازی ظهور شکل گرفته است، از مؤلفه‌های قدرت و بازوان اجرایی نظام اسلامی، داشتن نیروی خلاق و جوان است. کنترل جمعیت، یکی از چالش‌های کنونی ایران اسلامی است، این چالش، جامعه را با مشکلاتی روبرو کرده است و پیامدهای را به همراه خواهد داشت. در این نگاشته با روش تحلیلی توصیفی به آسیب‌هایی کنترل جمعیت در جامعه‌ای که با باورداشت مهدویت شکل گرفته، پرداخته شده است. دیدگاه زمینه‌ساز برای ظهور، از تمامی نمودهای قدرت نرم و سخت در مواجهه استکبار، بایستی بهره داشته باشد و بی تفاوت بودن نسبت به تغییر جمعیتی ایران اسلامی، آسیب‌های جدی را به همراه خواهد داشت که در این نگاشته مورد بررسی قرار گرفته است و به این نتیجه رسیده که جامعه منتظر برای مقابله با این چالش وظیفه‌ای سنگین دارد.

واژگان کلیدی

آسیب، کاهش موالید، جامعه منتظر، کنترل جمعیت.

۱. استاد خارج حوزه علمیه قم.

۲. دانش‌پژوه سطح سه مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم (نویسنده مسئول)
(hamzehtorab@gmail.com).

مقدمه

کنترل جمعیت و کاهش فرزندآوری، سیاستی است با روش‌های گوناگون که از سوی اندیشمندان کشورهای غربی اتخاذ و در سطح بین‌المللی مطرح شده است؛ کشورهای جهان سوم، بیش‌ترین سهم را در اجرای این طرح به خود اختصاص داده‌اند، گرچه این سیاست‌ها، مخالف آموزه‌های دینی اسلام بوده، اما در ایران به اجرای گذاشته شد و منجر به کاهش فرزندآوری گردید، از این رو سؤال اساسی در پژوهش حاضر این است که سیاست کنترل جمعیت در ایران اسلامی، چه آسیب‌هایی را برای جامعه منتظر و خانواده‌ها در پی داشته و مواجهه با این چالش اجتماعی - سیاسی چه اهمیتی دارد؟

پیشینه بحث

درباره کنترل جمعیت در چند سال گذشته پژوهش‌های خوبی انجام شده است، از مجموعه کتب و مقالات در این راستا، می‌توان به آثار زیادی اشاره کرد، که در بیشتر آنها به پیامدهای اجتماعی این حوزه نگاه شده است، اما آن‌چه جای خالی کار داشت و از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ پرداختن به ارتباط کنترل جمعیت با باورداشت مهدویت در جامعه منتظر است، تاکید این نوشتار، بر اثربخشی جامعه منتظر از این رخداد است. با توجه به وظایف منتظران در عصر غیبت با یک نگاه کلان حکومتی می‌توان، با نگاهی فراگیر به آسیب‌شناسی کنترل جمعیت در حکومت اسلامی ایران پرداخت و با واکاوی چالش‌های پیش‌رو، راهکارهایی در مواجهه با این مسئله بیان نمود.

در این نگاشته با روش تحلیلی توصیفی به واکاوی این مسئله پرداخته شده است، توجه به بزرگ‌ترین وظیفه منتظران در عصر غیبت که تشکیل حکومت اسلامی است، مورد بررسی قرار گرفت و سپس رابطه استحکام حکومت اسلامی با جمعیت پرداخته شده است و چالش‌های پیش‌روی جامعه با رخداد کنترل موالید بررسی شده است، گرچه با زوایای دیگری میتوان به آسیب‌های کنترل جمعیت در جامعه نگاه کرد، اما با توجه به شرایط موجود کشور ایران که در یک حکومت اسلامی هستیم به این چالش پرداخته شده است، در این راستا با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی، به این نتیجه می‌رسیم که اجرای این سیاست‌ها، آسیب‌های فراوانی را در حوزه جامعه و خانواده به همراه داشته است، آسیب‌های امنیتی و تضعیف جبهه حق از سویی و آسیب‌های اخلاقی و تربیتی برای فرزندان و... را در پی داشته، به همین خاطر

باید برای مواجهه با این چالش از اجرای این سیاست‌ها جلوگیری شود و با مدیریتی فراگیر به مقابله با آن گام برداشت.

مفهوم‌شناسی

موالید؛ موالید جمع ولد به فرزند، خواه فرزند انسان باشد و یا غیرخویشتن، بر مذکر و مؤنث، تشبیه و جمع اطلاق می‌شود، (راغب اصفهانی، ۱۴۲۳: ۸۸۳) هم‌چنین به معنای فرزندان، نباتات و حیوانات است و در اصطلاح به معنای تولید و تکثیر نسل صالح و کاراست. (دهخدا، ۱۳۴۴: ج ۱، ۲۵۶)

جمعیت؛ واژه‌ای عربی است که به معنای تجمعی از افراد انسانی است که در منطقه‌ای معین به طور مستمر و معمولاً به شکل مجموعه‌ای از خانوارها زندگی می‌کنند. (تقوی، ۱۳۸۰: ۳)

سیاست کنترل جمعیت؛ به معنای مجموعه اهدافی است که بعد از جنگ جهانی دوم توسط کشورهای غربی برنامه‌ریزی شد و با افزایش یا کاهش جمعیت ارتباط دارد. (عظیم‌زاده، ۱۳۹۱: ۶) جامعه منتظر: جامعه پویا با اعتقاد به مهدویت بر محور آمادگی برای ظهور و اقدام به زمینه‌سازی آن (نگارنده).

ضرورت فرزندآوری

یکی از شاخصه‌های قدرت و توانایی در قرآن کریم داشتن فرزند است:

﴿وَيُؤَدِّكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا﴾ (نوح: ۱۲)؛

و شما را با خواسته‌ها و پسران مدد می‌رساند و برای شما بوستان‌هایی می‌آفریند، و نهرها برای شما پدید می‌آورد.

این آیه در ادامه آیات قبل است که نتیجه استغفار را نزول باران و افزایش مال و فرزندان برای مؤمنین می‌داند.

علامه طباطبایی ذیل این آیه می‌فرماید:

۱۳۹

مدد به معنای هر چیزی است که آدمی را در رسیدن به حاجتش کمک کند و اموال و فرزندان نزدیک‌ترین کمک‌های ابتدایی برای رسیدن جامعه انسانی به هدف‌های خویش است. در آیه دیگری در سوره اسراء کثرت نفرات مورد توجه خداوند قرار گرفته است؛ ﴿وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا﴾ (اسراء: ۶)؛ «شما را کمک کردیم با اموال و فرزندان زیاد و نفرات شما را بیشتر قرار دادیم» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۲، ۴۶).

یکی دیگر از آیاتی که به نهی از قتل فرزند ولو به روش سقط جنین و جلوگیری از نسل را منع کرده «وَلَا يَقْتُلَنَّ أَوْلَادَهُنَّ» (ممتحنه: ۱۲) است که مرحوم طبرسی به آن اشاره نموده است: فرزندان شان را نکشند بروجعی از وجوه نه زنده بگور کنند و نه سقط جنین نمایند. (طبرسی، ۱۳۶۰: ج ۲۴: ۳۸۳)

«وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ» (اسرا: ۳۱) این آیه هم طبق تفاسیر، نهی برکشتن فرزند، حتی در مرحله جنین را می‌گیرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۲: ۱۰۲) در روایات هم تاکید فراوانی به فرزند داشتن و طلب فرزند از خدا شده است. پیامبر خدا ﷺ:

اطْلُبُوا الْوَلَدَ وَالتَّمْسُوهَ؛ فَإِنَّهُ قُرَّةُ الْعَيْنِ، وَزِيحَانَةُ الْقَلْبِ؛ (طبرسی، ۱۴۱۲: ج ۱، ۴۸۰) فرزند بخواهید و آن را طلب کنید؛ چراکه مایه روشنی چشم و شادی قلب است. لَا يَدْعُ أَحَدُكُمْ طَلَبَ الْوَلَدِ؛ فَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا مَاتَ وَلَيْسَ لَهُ وَلَدٌ انْقَطَعَ اسْمُهُ؛ (دقایق، ۱۴۰۲: ج ۱۶، ۲۸۱، ۴۴۶۹) هیچ يك از شما نباید فرزند خواهی را واگذارد؛ چراکه وقتی انسان بمیرد و فرزندی نداشته باشد، از نام و آوازه می‌افتد.

بَيْتٌ لِاصْبِيَانٍ فِيهِ لَا بَرَكَةَ فِيهِ؛ (دقایق، ۱۴۰۲: ج ۱۶، ۲۷۴) خانه‌ای که کودک در آن نباشد، برکت در آن نیست.

تَنَاحُوا تَنَاسَلُوا تَكْثُرُوا، فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَمُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَوْ بِالسَّقَطِ؛ (دقایق، ۱۴۰۲: ج ۱۶، ۲۷۵) ازدواج کنید و فرزند بخواهید و زیاد شوید که من روز قیامت به کثرت امتهم مباحثات می‌کنم ولو به سقط شده‌های شما.

در ادعیه معصومین علیهم‌السلام، دعای افزایش نفرات جبهه حق از خداوند خواسته شده است و از زیادی دشمن به خدا پناه برده شده است؛

اللهم إنا نشكوا إليك غيبة نبينا عنا... وكثرة عدونا وقلة عددنا. (صدوق، ۱۴۱۴: ج ۱، ۴۸۸)

ضرورت تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت و زمینه‌سازی برای ظهور (تشکیل جامعه منتظر)

نбست به وظایف جامعه در عصر غیبت دو دیدگاه در بین اندیش‌مندان اسلامی جاری است؛ یک دیدگاه حداقلی انتظار با رویکرد آمادگی برای ظهور و بسنده کردن به امورات حسبیه در

اجتماع است، و دیدگاه دوم که تشکیل حکومت اسلامی را زمینه ساز ظهور دانسته است، و از بایسته های انتظار پویا را داشتن حکومتی مقتدر با تمامی شاخصه های قدرت برای زمینه سازی و آماده بودن ظهور می داند. می دانیم که خانواده مثل سلول های بدن در یک جامعه است، نقش مهمی در این حکومت داشته و نیروی انسانی این حکومت از همین خانواده ها تامین می شود.

ما در این نگاشته به دنبال اثبات ضرورت تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت نیستیم، اما خلاصه ای از این ضرورت را از کتاب *ولایت فقیه*، رجالی تهرانی (۱۳۹۰) تقدیم می کنیم و برای مطالعه بیشتر به کتاب ها و مقالات پیرامون این موضوع مراجعه شود، آن چه برای گام اول بحث لازم بود، این بحث آورده شد؛ چرا که جامعه منتظر، بدون داشتن حکومت اسلامی نمی تواند زمینه ساز ظهور باشد، و با توجه به وضعیت فعلی که در یک حکومت اسلامی هستیم به مسئله کنترل جمعیت نگاه شده است.

حکومت برای بشر یک امر ضروری عقلی است، زیرا اجتماع بدون حکومت، موجب هرج و مرج می شود. در تمام جوامع بشری تا آن جا که تاریخ نشان می دهد، نوعی حکومت وجود داشته است. این ضرورت در روایات هم اشاره شده است؛ امام علی علیه السلام در جواب خوارج که حکومت و دآوری را فقط برای خدا می دانستند، ضمن بیان مطالبی فرمود:

مردم به هر حال نیازمند به زمام دار هستند، خواه نیکوکار باشد یا بدکار! تا مؤمنان در سایه حکومتش به کار خویش مشغول باشند و کافران نیز بهره مند شوند و مردم در حکومت او، زندگی راحت داشته باشند، به وسیله او اموال بیت المال گردآوری شود، و به کمک او با دشمنان مبارزه کنند. (فیض الاسلام، ۱۳۹۲: ج ۱، ۶)

ضرورت تشکیل حکومت اسلامی با محوریت ولی فقیه از آن جاست که در میان ادیان الهی، دین مبین اسلام برای همه ی افراد و همه ی مکان ها و همه ی زمان ها، تا ابد و قیامت عمومیت دارد، بنابراین اسلام در زمان غیبت امام معصوم علیه السلام نیز بدون تردید دارای حکومت است.

وقتی در قرآن کریم می خوانیم:

۱۴۱

«الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ» (حج: ۴۱)؛

مردان خدا کسانی هستند که هرگاه در زمین به آنها قدرت و حکومت بخشیدیم، نماز را برپا می دارند و زکات می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند. آیا این امر جز با تشکیل

حکومت دینی و اسلامی میسر است؟ اگر فرض کنیم که تعبیر (مَكْنًا) به معنی هرگونه قدرت بخشیدن بوده باشد، باز دلالت آیه بر مقصود ما روشن است؛ زیرا حکومت بارزترین نمونه‌ی قدرت است. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۴: ج ۱۴، ۱۱۸)

برای لزوم و ضرورت تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت به ذکر چند دلیل می‌پردازیم:

دلیل اجتماعی - تاریخی

جامعه اسلامی از سایر جوامع بشری که لازمه‌ی آن برقراری نظم و قانون‌گذاری در میان افراد جامعه است جدا نیست و همانند جوامع دیگر نیاز به برقراری حکومتی دارد که قوانین را اجرا کند تا هدف از تنظیم قوانین تحقق یابد. جامعه‌ی اسلامی با بقیه‌ی جوامع از نظر نیازمندی به داشتن حکومت، مانند سایر جوامع بشری است. به همین دلیل، تشکیل حکومت اسلامی در زمان غیبت، ضرورت پیدا می‌کند و بدیهی است که جامعه اسلامی، حکومت اسلامی می‌طلبد، نه حکومت دیگری.

حضرت امام خمینی علیه السلام در این باره می‌فرمایند:

سنت و رویه‌ی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله دلیل بر لزوم تشکیل حکومت است؛ زیرا: اولاً، خود تشکیل حکومت داد، و تاریخ گواهی می‌دهد که تشکیل حکومت داده، و به اجرای قوانین و برقراری نظامات اسلام پرداخته و به اداره‌ی جامعه برخاسته است؛ والی به اطراف می‌فرستاده؛ به قضاوت می‌نشسته؛ و قاضی نصب می‌فرموده؛ سفرایی به خارج و نزد رؤسای قبایل و پادشاهان روانه می‌کرده، معاهده و پیمان می‌بسته، جنگ را فرماندهی می‌کرده، و خلاصه، احکام حکومتی را به جریان می‌انداخته است. (امام خمینی، ۱۳۷۷: ج ۲، ۱۱۸)

وقتی خداوند متعال برای جامعه‌ی پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تعیین حاکم می‌کند، به این معناست که حکومت پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز لازم است.

دلیل اعتقادی

اعتقاد به دین اسلام، انسان را به این باور می‌رساند که قیام برای پیاده کردن احکام اسلام در دوران زندگانی بر او واجب است و پیداست که برخی از این مقررات، مانند قوانین اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی، جز از طریق داشتن حکومت، به طور کامل اجرا نمی‌شود، بنابراین تشکیل یک حکومت اسلامی در دوران غیبت، امری لازم و ضروری است.

در روایات اسلامی که شیعه و سنی نقل کرده‌اند، آمده است که پیش از ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مردمی قیام می‌کنند و مقدمات حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را فراهم می‌سازند. از جمله آنها روایتی

است که گنجی شافعی از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند، که در منابع معتبر ما مثل کشف الغمّه نیز آمده است که فرمود:

يُخْرِجُ أَنْاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ، فَيُؤْتُونَهُ لِمَهْدِي سُلْطَانَهُ؛

مردمی از شرق قیام می‌کنند و زمینه‌ی حکومت مهدی ﷺ را فراهم می‌سازند. (اربلی، ۱۴۰۴: ج ۲، ۴۷۸)

بعد از بیان مطالب و روایات فوق، لازم به ذکر است که دانشمندان و علمای اسلامی خصوصاً شیعه، بر لزوم تشکیل حکومت اسلامی در زمان غیبت تأکید داشته و دارند. بعضی از دانشمندان برای آن دلیل ذکر کرده‌اند و بعضی آن را از ضروریات دین و بی‌نیاز از اثبات و استدلال می‌دانند.

مرحوم فیض کاشانی (۱۰۹۰ق) می‌گوید:

و جوب جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و ترویج نیکی و تقوا فتوا دادن، حکم به حق در میان مردم، برپاداشتن حدود و تعزیرات و سایر سیاست‌های دینی، همه از ضروریات دین است و تشکیل حکومت، قطب اعظم دین و امر مهمی است که خداوند پیامبران را به آن منظور مبعوث فرموده و اگر ترک شود اساس نبوت تعطیل و دیانت متلاشی و آشوب و فتنه فراگیر می‌شود، همه گمراه می‌شوند و نادانی شایع می‌گردد، آبادی‌ها خراب و بندگان به هلاکت دچار می‌شوند. از همه‌ی اینها به خدا پناه می‌بریم. (رجالی تهرانی، ۱۳۹۰: ۵۶)

صاحب جواهر (۱۲۶۶ق) می‌فرماید:

اجمالاً این مسئله از مسایل روشنی است که نیازی به دلیل ندارد. (رجالی تهرانی، ۱۳۹۰: ۵۶)

آیت‌الله العظمی بروجردی (۱۳۴۰ق) می‌فرماید:

شیعه و سنی بر این امر اتفاق دارند که وجود یک سیاستمدار و رهبری که امور مسلمانان را اداره کند، در حوزه‌ی اسلام لازم است، بلکه این امر از ضروریات اسلام است. (رجالی تهرانی، ۱۳۹۰: ۵۶)

جمعیت یکی از مؤلفه‌های قدرت این حکومت زمینه‌ساز

۱۴۳

از اصلی‌ترین پایه‌های پیشرفت و توسعه کشور، نیروی انسانی است. کشوری که با پیری جمعیت روبرو شود، خود به خود جمعیت جوان و نخبه آن دچار آسیب می‌گردد و این کشور مهم‌ترین برگ برنده خود را در توسعه از دست خواهد داد. همان‌گونه که بسیاری از کشورهای پیشرفته، فقدان جمعیت نخبه خود را با مغزهای متفکر جوانان کشورهای جهان سوم جبران

می‌کنند.

نیروی جوان و جمعیت فراوان، یکی از شاخص‌های اقتدار نظامی و دفاعی است. از فرصت‌های مهم ناشی از جمعیت کشور، می‌توان به توانمندی و اقتدار نظامی و سیاسی کشور در عرصه بین‌المللی اشاره کرد. به طور قطعی، جامعه‌ای که در سطح بین‌المللی دارای جمعیت بیشتر و جوان‌تری است، می‌تواند دارای ارتش و قدرت نظامی قوی‌تری نیز باشد. دوران جنگ تحمیلی و حضور جوانان در عرصه‌های نظامی و عملیات‌های سرنوشت‌ساز، برگ برنده‌ای بود که ایران اسلامی توانست در دوران دفاع مقدس آن را کسب کند. مطمئناً کشوری که دارای جمعیت اندک و یا پیر باشد، توان رویارویی مقتدرانه در برابر تجاوز بیگانگان را نخواهد داشت. (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۱: ۱۰)

یکی از آیات کلیدی برای تقویت نیروی انسانی و نظامی از همه ابعاد آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال: ۶۰) است. در تفسیر نمونه مصداق قوه، اعم از قوه مادی و معنوی معرفی شده است، از نیروی انسانی تا تجهیزات، حتی در جزئی‌ترین تقویت، مثل خضاب کشیدن محاسن را شامل می‌شود، پس می‌تواند گفته شود که داشتن جمعیت کافی در یک جامعه منتظر، از مصادیق قوه در برابر دشمنان است.

کلمه «قوة» چه کلمه کوچک و پر معنایی است، نه تنها وسائل جنگی و سلاح‌های مدرن هر عصری را در بر می‌گیرد، بلکه تمام نیروها و قدرت‌هایی را که به نوعی از انواع در پیروزی بر دشمن اثر دارد شامل می‌شود، اعم از نیروهای مادی و معنوی. جالب این است که در روایات اسلامی برای کلمه قوة تفسیرهای گوناگونی شده که از وسعت مفهوم این کلمه حکایت می‌کند، مثل این که منظور از قوة؛ تیر، هرگونه اسلحه، شمشیر و سپر و حتی در روایتی دیگر می‌خوانیم: «منه الخضاب السواد»، یکی از مصداق‌های قوة در آیه، موهای سفید را به وسیله رنگ، سیاه کردن است. یعنی اسلام حتی رنگ موها را که به سرباز بزرگ‌سال چهره جوان‌تری می‌دهد تا دشمن مرعوب گردد از نظر دور نداشته است و این نشان می‌دهد که چه اندازه مفهوم قوة در آیه فوق وسیع است. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۴: ج ۷، ۲۲۲)

پس نتیجه می‌توان گرفت که با وسعت بخشیدن به مصادیق قوه در آیه ۶۰ انفال، داشتن جمعیت، یکی از مصادیق این آیه است، که نویسنده کتاب رساله نکاحیه هم به این نکته توجه کرده است. (حسینی طهرانی، ۱۴۲۵: ۱۳۰)

یکی دیگر از آیات کلیدی برای تقویت حکومت اسلامی در جامعه منتظر مقابله با جبهه

باطل، آیه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱) است، این آیه عمومیت داشته و هرنوع تضعیف جامعه اسلامی را رد می‌کند و اگر کاهش جمعیت باعث تضعیف جامعه اسلامی شود و دشمنان این نظام و انقلاب از این جریان خوشحال شوند دامنه این آیه، بحث ما را خواهد گرفت. در تفسیر نمونه به این عمومیت اشاره شده است:

آیا هدف از این جمله تنها عدم پیروزی کفار از نظر منطق بر افراد با ایمان است و یا پیروزی‌های نظامی و مانند آن را شامل می‌شود؟ از آنجا که کلمه سبیل به اصطلاح از قبیل نکره در سیاق نفی است و معنی عموم را می‌رساند از آیه استفاده می‌شود که کافران نه تنها از نظر منطق بلکه از نظر نظامی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و خلاصه از هیچ نظر بر افراد با ایمان، چیره نخواهند شد. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۴: ج ۴، ۱۷۶)

فقه‌ها در مسائل مختلف فقهی، برای اثبات عدم تسلط کفار بر مؤمنان، به جمله‌ی «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ» استناد می‌کنند و با توجه به این که اگر زمانی کم شدن جمعیت نوعی تقویت جبهه باطل و از آن سو باعث تضعیف جامعه اسلامی گردد می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

نقش دشمنان حکومت اسلامی در کنترل جمعیت و تضعیف نظام اسلامی

ساموئل هانتینگتون^۱ (۲۰۰۸ م) در بخشی از مصاحبه خود، درباره تمدن اسلام و چین و چالش آنها با تمدن غرب، با اشاره به نقش روزافزون مسلمانان می‌گوید:

تمدن اسلام تمدنی است که چالش آن تا حدودی متفاوت از دیگر چالش‌هاست، این تمدن اساساً ریشه در نوعی پویایی جمعیت دارد. رشد بالای زاد و ولد که در اکثر کشورهای اسلامی شاهد آن هستیم، این چالش را متفاوت کرده است. امروزه بیش از ۲۰ درصد جمعیت جهان اسلام را جوانان ۱۵ تا ۲۵ ساله تشکیل داده‌اند. (گاردنر، ۱۳۸۶: ۲۹۶)

نکته حائز اهمیت در خصوص کاهش جمعیت، برنامه‌ای است که سیاستمداران و استراتژیست‌های آمریکایی و اروپایی برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفته‌اند. برژینسکی مشاور سابق امنیت ملی آمریکا در مصاحبه‌ای با روزنامه *وال استریت ژورنال* در مارس ۲۰۰۹، در خصوص تغییر جمعیت ایران نکته‌ای بیان کرد که ابعاد بسیار گسترده‌ای دارد. وی در این مصاحبه گفته بود:

از فکر کردن به حمله پیش‌دستانه علیه تأسیسات هسته‌ای ایران بپرهیزید و گفتگوها با

۱. متخصص علوم سیاسی شهیر دانشگاه هاروارد آمریکایی بود وی به خاطر نظریه برخورد تمدن‌ها و پیش‌بینی کشمکش جهان غرب با جهان اسلام شهرت جهانی پیدا کرده بود.

تهران را حفظ کنید، بالاتر از همه بازی طولانی مدتی را انجام دهید چون زمان و آمارهای جمعیتی و تغییر نسل در ایران به نفع رژیم کنونی نیست.

در سال ۱۹۸۱ ماکسول تیلور، عضو شورای روابط خارجی رژیم اشغالگر قدس، در جریان مصاحبه‌ای درباره ازدیاد جمعیت صریحاً اعلام کرد:

من پیشاپیش به مردن بیش از یک میلیارد انسان فکر کرده‌ام. این‌ها در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین زندگی می‌کنند بحران جمعیت و تأمین و عرضه غذا حکم می‌کند، برای نجات جان این اشخاص تلاش نکنیم. (گارودی، ۱۳۷۵: ۱۴۱)

این سخنان نشان‌دهنده نگرانی فوق‌العاده تحلیل‌گران غربی از جمعیت جوان کشورهای اسلامی و به ویژه ایران است. آن‌ها به خوبی می‌دانند که افزایش جمعیت جوان، افزایش اقتدار سیاسی را در پی دارد چرا که این قشر در هنگام خطر تمام انرژی خود را صرف دفاع از کشور و نوامیس خود می‌کند.

مطرح شدن کنترل جمعیت از سوی غربیان و استکبار دنیا، و آمد و رفت عناصر فاسد آنها به کشور ما پیرامون این مسئله و اختصاص بودجه کلان برای تأمین نیازمندی‌های کنترل جمعیتی کشور توسط سازمان ملل و... گویای وجود برخی انگیزه‌های سیاسی و اقتصادی دنیای غرب از طرح این مسئله است.

خانم دکتر نفیس صدیق سفیر سازمان ملل در ایران در اواخر دهه ۶۰ می‌گوید:

همه معتقدند که برای جلوگیری از رشد نامعقول جمعیت ایران باید کاری کرد... ما به ایران آمده‌ایم تا در تنظیم یک برنامه جمعیتی به ایران کمک کنیم. ضمن آن‌که این برنامه کوتاه مدت دوساله، ۴ میلیون دلار هزینه خواهد داشت. (حسینی طهرانی، ۱۴۲۵: ۱۲۵)

این در حالی است که بوش، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، طرح برنامه کنترل جمعیت آمریکا را رد می‌کند! حال آیا نباید این سؤال و این فکر در ذهن ما شکل بگیرد که سفیر سازمان ملل برای چه اهدافی راهی کشور ما شده بود؟!

تداوم این سیاست‌ها موجب شد که طی سال‌های ۶۵ تا ۱۳۸۴، سطح «باروری» در ایران با سرعتی استثنایی و کم سابقه در سطح بین‌المللی کاهش یابد. به طوری که شاخص‌های باروری و به پیروی آن، میزان زاد و ولد در مقایسه با سال ۱۳۶۵، به کمتر از نصف کاهش یافت. براساس مطالعات انجام شده و نیز اطلاعات حاصل از سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، میزان باروری کل در کشور به کمتر از ۲/۱ فرزند به ازای هر زن (حد جایگزینی) کاهش یافته است در نتیجه با تداوم وضعیت فعلی ساختار جمعیت ایران از وضعیت جوانی خارج شده

و به سوی سالخوردگی و پیری سوق پیدا می‌کند.

در آمارهای رسمی که از اداره آمار و ثبت احوال کشور به دست می‌آید، این نظریه را ثابت می‌کند که اجرای سیاست کنترل جمعیت باعث شده که جمعیت شیعیان روز به روز در حال کاهش باشد و اگر روند کنترل جمعیت و تنظیم خانواده ادامه پیدا کند، در آینده‌ای نه چندان دور در کشورمان با تبدیل اقلیت به اکثریت و اکثریت به اقلیت مواجه خواهیم شد.

قاسم روان بخش (عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام) نیز می‌گوید:

ایران در حال حاضر نیز جزو ۱۰ کشوری است که به سرعت به سمت کهن سالی در حال حرکت هستند و در جایگاه ششمین کشور جهان قرار دارد که افراد آن به سن پیری می‌رسند. بر اساس این گزارش، تعداد فرزندان در یک خانواده ایرانی، کمتر از تعداد فرزندان در خانواده‌های انگلیسی، آمریکایی، فرانسوی و حتی یک خانواده اسرائیلی است. (محمدی، ۱۳۹۱: ۴۷)

یکی از آمارهای تکان دهنده، رتبه ایران در فرزندآوری است که زنان ایرانی با دارا بودن ۱/۸۷ فرزند، در مکان ۱۴۴ ام جدول جهانی قرار می‌گیرند، این در حالی است که اسرائیل با رتبه ۷۵، آفریقای جنوبی ۹۷، برزیل ۱۰۶، ترکیه ۱۱۰، فرانسه ۱۱۸، آمریکا ۱۲۲، و انگلیس ۱۳۷ در مکان‌های بالاتر از ایران قرار می‌گیرند. (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۱: ۱۷)

هم‌چنین مطابق مطالعات جمعیت‌شناسی و دیدگاه‌های جمعیت‌شناسان در صورت تداوم روند فعلی باروری، رشد جمعیت کشور در حدود سال‌های ۱۴۲۰-۱۴۱۵ به صفر خواهد رسید و رشد جمعیت منفی شده و ساختار جمعیت در ۲۰ سال آینده به سمت سالخوردگی خواهد رفت. در اهمیت این مسئله، بخشی از بیانات مهم رهبر انقلاب اسلامی در تبیین آینده نگران‌کننده جمعیتی کشور را یادآور می‌شویم. معظم‌له در تاریخ ۱۳۹۲/۹/۱۹ و در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی فرمودند:

یکی از خطراتی که وقتی انسان درست به عمق آن فکر می‌کند، تن او می‌لرزد، این مسئله جمعیت است. مسئله جمعیت را جدی بگیرید. جمعیت جوان کشور دارد کاهش پیدا می‌کند. به جایی خواهیم رسید که دیگر قابل علاج نیست. یعنی مسئله جمعیت از آن مسائلی نیست که بگوییم حالا ده سال دیگر فکر می‌کنیم. نه اگر چند سال بگذرد، وقتی نسل‌ها پیر شدند، دیگر قابل علاج نیست.

از بیانات جدید معظم‌له در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ در پیام به جوانان و ملت ایران، اشاره دارند:

نیروی جوان دهه ۶۰ یک ظرفیت برای انقلاب اسلامی بوده است.

مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. جمعیت جوان زیر ۴۰ سال که بخش مهمی از آن نتیجه‌ی موج جمعیتی ایجاد شده در دهه‌ی ۶۰ است، فرصت ارزش‌مندی برای کشور است. ۳۶ میلیون نفر در سنین میانه‌ی ۱۵ و ۴۰ سالگی. (پایگاه اطلاع‌رسانی رهبری، ۱۳۹۷)^۱

باید توجه داشته باشیم که با روند کنونی کنترل جمعیت در ۲۰ سال آینده دیگر از این ظرفیت امیدبخش خبری نخواهد بود.

آمار کاهش موالید در ایران

بعد خانواده یا به عبارتی تعداد اعضای یک خانواده که در سال ۱۳۹۰ حدود ۳/۵ نفر بوده‌است در سال ۱۳۹۵ به ۳/۳ نفر کاهش یافته و هم‌چنان روند کاهشی داشته‌است. نباید فراموش کرد که این عدد با احتساب شهرها و استان‌های حاشیه‌ای و به طور میانگین محاسبه می‌شود و به این ترتیب باید اذعان کرد، نرخ خانوارهای تک و دو نفره در بسیاری از شهرهای کشور به طور قابل توجهی در حال تثبیت و افزایش است که از منظر بررسی و مطالعه آسیب‌های اجتماعی بسی نگران‌کننده خواهد بود که جدول‌های آمار^۲ این مطلب را تایید می‌کند.

سال	جمعیت	مرد	زن	نسبت جنسی	خانوار	بعد خانوار
۱۳۹۵	۷۹,۹۲۶,۲۷۰	۴۰,۴۹۸,۴۴۲	۳۹,۴۲۷,۸۲۸	۱۰۳	۲۴,۱۹۶,۰۳۵	۳,۳
۱۳۹۰	۷۵,۱۴۹,۶۶۹	۳۷,۹۰۵,۶۶۹	۳۷,۲۴۴,۰۰۰	۱۰۲	۲۱,۱۸۵,۶۴۷	۳,۵
۱۳۸۵	۷۰,۴۹۵,۷۸۲	۳۵,۸۶۶,۲۶۲	۳۴,۶۲۹,۴۲۰	۱۰۴	۱۷,۵۰۱,۷۷۱	۴
۱۳۷۵	۶۰,۰۵۵,۴۸۸	۳۰,۵۱۵,۱۵۹	۲۹,۵۴۰,۳۲۹	۱۰۳	۱۲,۳۹۸,۱۲۵	۴,۸
۱۳۶۵	۴۹,۲۴۵,۰۱۰	۲۵,۳۸۰,۹۶۱	۲۴,۸۶۴,۰۴۹	۱۰۵	۹,۶۷۲,۹۲۱	۵,۱

1. www.leader.ir

۲. برگرفته از سایت رسمی مرکز آمار ایران: www.Amar.org.ir

تحولات جمعیتی ایران

نرخ رشد جمعیت کشور در سال ۱۳۹۰ در حدود ۱.۲۹ بوده است که در ادامه کاهش دائمی در سه دهه گذشته، در سال ۱۳۹۵ به عدد ۱.۲۴ تنزل پیدا کرده است و لذا هم چنان روند کاهشی داشته است که به این ترتیب پیش بینی های تحقق رشد صفر درصد در آینده نه چندان دور را دور از ذهن نمی داند.

متوسط نرخ رشد سالانه استان ها: ۹۵-۱۳۹۰

استان	نرخ رشد (درصد)	استان	نرخ رشد (درصد)
کل کشور	۱.۲۴	یزد	۱.۱۷
خراسان جنوبی	۳.۰۲	چهارمحال و بختیاری	۱.۱۵
بوشهر	۲.۴۱	فارس	۱.۰۸
هرمزگان	۲.۳۹	گلستان	۱.۰۱
البرز	۲.۳۷	آذربایجان شرقی	۰.۹۷
قم	۲.۳۳	اصفهان	۰.۹۷
سمنان	۲.۱۶	زنجان	۰.۸۱
سیستان و بلوچستان	۱.۸۳	ایلام	۰.۸۰
تهران	۱.۷۲	خوزستان	۰.۷۸
کهگیلویه و بویراحمد	۱.۶۰	گیلان	۰.۴۰
کرمان	۱.۴۹	اردبیل	۰.۳۵
خراسان رضوی	۱.۴۲	مرکزی	۰.۲۲
کردستان	۱.۴۲	کرمانشاه	۰.۰۷
مازندران	۱.۳۳	لرستان	۰.۰۷
قزوین	۱.۱۷	خراسان شمالی	۰.۱۱
آذربایجان غربی	۱.۱۷	همدان	۰.۲۳

گروه های عمده سنی کل کشور: ۹۵-۱۳۶۵

گروه های عمده سنی	۱۳۹۵	۱۳۹۰	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵
۱۴-۰	۲۴.۰	۲۳.۴	۲۵.۱	۲۹.۵	۴۵.۵
۱۵-۲۹	۲۵.۱	۳۱.۵	۳۵.۴	۲۸.۴	۲۶.۴
۳۰-۶۴	۴۴.۸	۳۹.۳	۳۴.۳	۲۷.۷	۲۵.۱
+۶۵	۶.۱	۵.۷	۵.۲	۴.۴	۳.۱

با کمال تأسف جمعیت گروه سنی ۱۵ تا ۲۹ سال با سیر کاهشی محسوسی در حدود ۶/۵ درصد همراه بوده و در عین حال جمعیت گروه سنی ۳۰ سال به بالا روند افزایشی خود را با سرعت بیشتر ادامه داده است و این یعنی حرکت ساختار هرم سنی کشور به سوی سالمندی بیشتر و جوان زدایی سریع تر است.

میانه سنی کشور از ۲۷ سال در سال ۱۳۹۰ به ۳۰ سال در سرشماری سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. به عبارت دیگر در همین دهه گذشته، چهره ایران به طور میانگین ۵ سال پیرتر شده است که واکاوی تبعات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی سرعت بالا رفتن میانه سنی کشور مجال دیگری می طلبد.

چالش‌هایی که جامعه منتظر در حکومت اسلامی با کنترل موالید دچار می شود

چالش‌های اجتماعی - فرهنگی

تغییر جایگاه و نقش زن در جامعه

یکی از چالش‌های اجتماعی کنترل جمعیت، محدود شدن ازدواج‌ها و کشاندن بی‌رویه زنان به صحنه اجتماع و فعالیت‌های اقتصادی و تضعیف بنیاد خانواده است. در حقیقت بیان مسئله رشد فکری زن و بالا بردن سطح آگاهی وی از سوی کشورهای غربی به عنوان وسیله‌ای برای کاهش سطح رشد جمعیت در کشورهای اسلامی استفاده می شود. در نتیجه این سیاست، زنان مسلمان چیزی از نوع آزادی زن غربی به دست می آورند که به بازار کار روی می آورند و منادی جدا شدن از ارزش‌های اجتماعی خویش می شوند تا بدین وسیله زن همراه با تمدن غربی در مسیر بی دینی پیش برود و الگوهای غربی را برای خود بپذیرد بدین صورت که بچه دار شدن با آزادی، استقلال و تحقق هویتشان در تضاد است. کشورهای غربی تلاش می کنند زنان را متقاعد کنند که زایمان، زیبایی و سلامتی زن را به خطر می اندازد. (حسینی طهرانی، ۱۴۲۵: ۸۷)

هم چنین بر اساس نگرش فمینیستی، نقش مادر در خانواده و تربیت فرزندان از ارزش و اعتبار زن در اجتماع می کاهد و باعث می شود زن از رشد اجتماعی و پیشرفت هم پای مردان باز بماند. به باور این گروه ارزش زن و اعتبار واقعی آن در نقش مادری دلسوز برای فرزندان نیست، بلکه در میزان کارکرد اجتماعی و فعالیت‌های عمومی وی برای جامعه است. (سوختانلو و رحمت بادی، ۱۳۹۲: ۶۲)

بنابراین در نتیجه سیاست‌های جمعیتی، تغییراتی در سبک زندگی به وجود آمده است؛ نقش سنتی زنان و مردان در جامعه تغییر پیدا کرده و در ادامه، نظام ارزشی و نگرشی افراد به ازدواج و تشکیل خانواده و فرزندآوری دگرگون می‌شود و مشکلاتی را پدید می‌آورد که پایداری خانواده را با تهدید مواجه می‌کند. از سوی دیگر، با توجه به آن که یکی از اهداف اجتماعی ناظر به کنترل جمعیت، محدود کردن ازدواج‌ها و کشاندن بی‌رویه زنان به صحنه اجتماع و فعالیت‌های اقتصادی و... است، اثر این اندیشه، ایجاد زمینه رشد فساد و انحرافات اجتماعی و از بین بردن تمامی اهداف انقلاب و اسلام است. زیرا هیجانات جنسی جوانان باید به نحوی برآورده شود. حال اگر خانواده‌ای تشکیل نگردد و سن ازدواج بالا رود، این اطفای شهوات، خود را در سطح جامعه به صورت روابط نامشروع نشان می‌دهد و با رشد یافتن این روابط نامشروع، به یقین جامعه به سمت تباهی و نابودی کشیده می‌شود.

بحران فرهنگی و تغییر سبک زندگی

تفکر کنترل جمعیت و تک‌فرزندی، آثار و تبعات فرهنگی خاصی دارد. مثلاً در این فرهنگ، برخی خانواده‌ها که از تنهایی رنج می‌برند، خلأ انس با فرزند را با انس با حیوانات به ویژه سگ پرمی‌کنند. روشن است خانواده‌ای که فرزند نمی‌آورد یا تک‌فرزند است و فرزندش به دانشگاه رفته و یا ازدواج کرده است، چنین خلأیی را در زندگی احساس می‌کند و برای جبران آن راه‌کارهایی می‌اندیشد که غربی‌ها اندیشیده‌اند. از سوی دیگر، با ادامه سیاست‌های کنترل جمعیت در کشور، صله رحم و آداب اجتماعی اسلام به فراموشی سپرده خواهد شد.

کاهش ایثار و گذشت در خانواده و اولویت یافتن رفاه و لذت مادی

نگرش رفاه‌طلبی و لذت‌جویی یکی از مواردی است که نویسندگان غربی هم در نظام خانواده‌های تک‌فرزند آن را قبول کرده‌اند. گاردنر در این باره می‌نویسد:

فرزندان در چنین خانواده‌هایی با مفاهیم ارزشی اخلاقی نظیر قناعت، ایثار، گذشت، کمک به هم‌نوعان، صبر، شکیبایی، تحمل، مدارا و... بیگانه خواهند بود. از سوی دیگر به دلیل اصالت رفاه و لذت، والدین، فرزند بیشتر را مزاحم تلقی می‌کنند. (گاردنر، ۱۳۸۵: ۸۲)

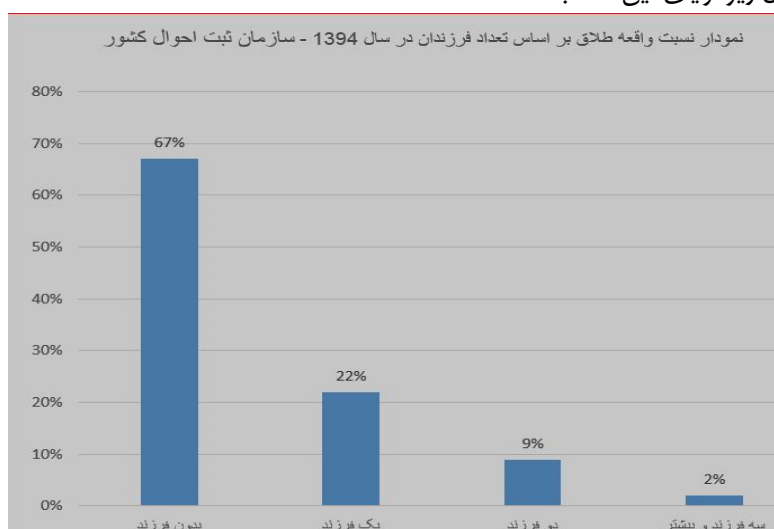
جان رایان، دین‌شناس کاتولیک آمریکایی در این باره به همسران هشدار می‌دهد و از آن‌ها می‌خواهد که فرزندان زیاد داشته باشند. او استدلال می‌کند تأمین خانواده‌های بزرگ، حاصلش

زندگی موفق است. چون تأمین هزینه زندگی در این خانواده‌ها نیاز به ایثار و... دارد. از طرفی خانواده‌های کم جمعیت، ممکن است ثروتمند باشند اما این ثروتمند بودن خطرناک‌تر از فقیر ماندن است. بر مبنای استدلال وی، در خانواده‌های پرجمعیت مفاهیمی نظیر ایثار، گذشت، هم‌اندیشی و مفاهیم عمیقی نظیر آن‌ها به فراموشی سپرده خواهد شد. (گاردنر، ۱۳۸۵: ۸۲)

نیاز کودک و فرزند به وجود هم‌بازی و خواهر و برادر در خانواده یک نیاز فطری است، که مفاهیم ایثار و تعامل با برادر و خواهر را در خانواده یاد خواهد گرفت و در نبود آنها این مفاهیم رو به فراموشی خواهد شد.

کاهش انسجام خانواده

زندگی خانوادگی به شکل سنتی، عامل پیوند و ثبات عاطفی در روابط اجتماعی هست. سیاست تک فرزندی می‌تواند خانواده‌ها را به سمت تنهایی گرایش دهد. طبق مطالعات آماری میزان طلاق در خانوارهای پرجمعیت خیلی کمتر از خانواده‌های تک فرزند یا بدون فرزند است که جدول زیرگویای این مطلب است.



ابتلای قابل توجه زنان و مردان به بیماری‌های مختلف

جلوگیری از فرزندآوری با روش‌های مختلف عوارض جسمی و روحی را به دنبال داشته است، یکی از کم‌خطرترین روش‌هایی که توسط پزشکان برای جلوگیری از بارداری توصیه می‌شود، عزل است. یکی از اندیشمندان اسلامی در این باره نوشته است:

عزل ضررهایی را بر مرد و زن وارد می‌کند. درباره مرد موجب کسالت اعصاب می‌شود و در

اثر تکرار به حدی می‌رسد که درمانش سخت می‌گردد. درباره زن نیز موجب پیدایش مرضی در رحم به نام غده فیبرم و سرطان رحم می‌شود. هم‌چنین خوردن دارو برای جلوگیری رحم از پذیرش نطفه و بستن نشدن زنان که امروزه به صورت قرص متداول شده است، ضررهای مزاجی شدیدی دارد. علاوه بر این، کسالت قلب و سرطان رحم و اختلال جریان خون و به هم خوردن سیر طبیعی و عمل طبیعی غدد و ترشحات زاید را به دنبال می‌آورد. (حسینی طهرانی، ۱۴۲۵: ۴۲)

مجاز شدن سقط جنین

با اجرای سیاست‌های کنترل جمعیت، دختران و پسران در سنین مختلف به تکنولوژی‌های کنترل بارداری و ایمن شدن از بارداری‌های ناخواسته دسترسی پیدا می‌کنند که این امر منجر به افزایش روابط خارج از چهارچوب خانواده و در نتیجه فروپاشی خانواده‌ها می‌شود و برای مقابله با تولدهای ناخواسته به روش‌هایی مثل سقط جنین روی آورده می‌شود که جدای از کیفر و گناه آن از لحاظ روانی جامعه را تهدید می‌کند.

چالش‌های سیاسی و امنیتی

۱. تضعیف نیروی دفاعی کشور: نیروی جوان و جمعیت فراوان، یکی از شاخص‌های اقتدار نظامی و دفاعی است. از فرصت‌های مهم ناشی از جمعیت کشور، می‌توان به توانمندی و اقتدار نظامی و سیاسی کشور در عرصه بین‌المللی اشاره کرد. به طور قطعی، جامعه‌ای که در سطح بین‌المللی دارای جمعیت بیشتر و جوان‌تری است، می‌تواند دارای ارتش و قدرت نظامی قوی‌تری نیز باشد. دوران جنگ تحمیلی و حضور جوانان در عرصه‌های نظامی و عملیات‌های سرنوشت‌ساز، برگ برنده‌ای بود که ایران اسلامی توانست در دوران دفاع مقدس آن را کسب کند. مطمئناً کشوری که دارای جمعیت اندک و یا پیر باشد، توان رویارویی مقتدرانه در برابر تجاوز بیگانگان را نخواهد داشت. یکی از نویسندگان معاصر به این مطلب این‌گونه اشاره کرده است:

اگرچه امروزه اقتدار نظامی در مناسبات بین‌المللی از اولویت خارج شده است و دولت‌ها تسلط بر مناسبات جهانی را در اقتدار اقتصادی جست‌وجو می‌کنند، اما در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران در معرض تهدیدهای جدی دشمنان سیاسی خود قرار دارد و آشکارا مورد تهدید قدرت‌های زورگو قرار می‌گیرد، نمی‌توان از این مزیت در راستای اقتدار نظامی کشور، چشم‌پوشی نمود. (وشمگیر، ۱۳۸۸: ۱۳۲)

۲. کاهش جمعیت جوان و نخبه کشور: از اصلی‌ترین پایه‌های پیشرفت و توسعه کشور، نیروی انسانی است. کشوری که با پیری جمعیت روبه‌رو شود، خود به خود جمعیت جوان و نخبه آن دچار آسیب می‌گردد و این کشور مهم‌ترین برگ برنده خود را در توسعه از دست خواهد داد. همان‌گونه که بسیاری از کشورهای پیشرفته، فقدان جمعیت نخبه خود را با مغزهای متفکر جوانان کشورهای جهان سوم جبران می‌کنند. (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۱: ۱۷)

۳. تضعیف امنیت غذایی کشور و افزایش قاچاق: تفاوت نرخ رشد جمعیت در استان‌های مرکزی و حاشیه‌ای امری مشهود است، به گونه‌ای که نرخ رشد استان‌های مرزی بیشتر از نرخ رشد جمعیت مرکزی است، و از سویی دیگر، شهرها در بهترین زمین‌های کشاورزی گسترش می‌یابند. این امر، ضمن داشتن آثار و پیامدهای منفی ناشی از تراکم جمعیت برای زندگی افراد جامعه، از ناحیه کاهش زمین‌های کشاورزی موجود، تخلیه منابع طبیعی جامعه و در نتیجه، تضعیف امنیت غذایی کشور و به تبع آن، افزایش وابستگی به مواد غذایی وارداتی، امنیت عمومی جامعه را تهدید می‌کند. (وشمگیر، ۱۳۸۸: ۱۲۶-۱۲۷)

همین تراکم کم یا زیاد، خود بر روی نحوه بهره‌برداری و اقتصاد اهالی، تاثیر می‌گذارد، چنان‌چه بحث قاچاق کالا در مناطق مرزی امروزه رو به افزایش است که خود از خلاء کار برای نیروی انسانی مرزهای کشور خبر می‌دهد.

۴. تضعیف جایگاه ایران به عنوان يك کشور شیعی: هر چند که شیعیان در سراسر جهان در میان ملل اسلامی پراکنده هستند؛ ولی تنها کشوری که در آن دولتی با حاکمیت شیعه سرکار است، کشور ایران است. این کشور که منادی زمینه‌سازی برای ظهور را دارد، می‌باید هم از نظر کمی و هم کیفی شاخص‌های لازم را داشته باشد و یکی از این شاخص‌ها، جمعیت قابل قبول با باورداشت مهدویت است، که می‌تواند در برابر جهان کفر ایستادگی کند.

امام سجاد (علیه السلام) در دعای بیست و هفتم صحیفه سجادیه ضمن دعا کردن برای تقویت اسلام و تضعیف کفار، کم شدن عدد کافران و قطع شدن نسل آنها را از خداوند درخواست نموده است:

اللهم عقم أرحام نساءهم، ویس أصلاب رجالهم، واقطع نسل دوابهم وأنعامهم... اللهم وقوبذلك محال أهل الإسلام. (علی بن الحسین، ۱۳۷۶: ۱۳۰)

با توجه به دعای مذکور، بی شک تقویت جبهه حق ارزش خود را امروزه نشان می‌دهد. نکته حائز اهمیت در خصوص کاهش جمعیت، برنامه‌ای است که سیاست‌مداران آمریکایی

و اروپایی برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفته‌اند. برژینسکی - مشاور سابق امنیت ملی آمریکا - در مصاحبه‌ای با روزنامه *وال استریت ژورنال* در مارچ ۲۰۰۹، در خصوص تغییر جمعیت ایران نکته‌ای را بیان کرد که ابعاد بسیار گسترده‌ای دارد. وی در این مصاحبه گفته بود:

از فکر کردن به حمله پیش‌دستانه علیه تأسیسات هسته‌ای ایران بپرهیزید و گوها با تهران را حفظ کنید، بالاتر از همه، بازی طولانی مدتی را انجام دهید؛ چون زمان و آمارهای جمعیتی و تغییر نسل در ایران به نفع رژیم کنونی نیست. (سبحانی نیا، ۱۳۹۱: ۱۰)

راهکارها

در پایان، به منظور حل مشکلات جمعیتی کشور و دستیابی به الگوی توسعه پایدار، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱. بازنگری و تجدیدنظر در قوانین مرتبط با اشتغال زنان از جمله قانون کار و پیش‌بینی شرایط دورکاری و نیمه حضوری برای زنان باردار و مادران دارای فرزند؛
۲. پیش‌بینی امتیازات و تسهیلات ویژه در قوانین برای زنان باردار و مادران دارای فرزند زیر دو سال به منظور تشویق زنان به داشتن فرزند؛
۳. ترویج الگوی سبک زندگی اسلامی - ایرانی و نگاهی فراگیر به زنان برای ایفای کامل‌تر نقش مادری و همسری؛
۴. ترویج فواید فرزندآوری و پیامدهای منفی کاهش نرخ باروری از طریق رسانه‌ها؛
۵. تسهیل شرایط ازدواج و کاهش سن ازدواج؛
۶. ترویج شعار «فرزند بیشتر آینده بهتر»؛
۷. فرهنگ‌سازی برای دستیابی به جمعیت مطلوب و اصلاح بینش و نگرش مسئولان و مردم نسبت به پیامدهای منفی کاهش باروری؛
۸. تشکیل شورای عالی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی جمعیت با تأکید به منابع اسلامی؛
۹. رصد مداوم تحولات جمعیتی توسط مراکز علمی - پژوهشی معتبر در سطح کشور و منطقه و بررسی نیازهای آینده‌شناسانه جهان اسلام و ایران در بحث جمعیت؛
۱۰. انجام مطالعات عمیق در زمینه ارزیابی سیاست‌های جمعیتی گذشته، حال و آینده برای رسیدن به حد مطلوب جمعیت و جلوگیری از بروز عواقب پیش‌گفته؛
۱۱. تدوین سیاست‌های جامع جمعیتی.

نوآوری و ابتکار این نگاشته

این پژوهش، به جامعه منتظر در عصر غیبت که با باورداشت مهدویت شکل می‌گیرید نگاهی فراگیر داشته است و اثبات نقش داشتن جمعیت در تقویت جبهه حق در ایران اسلامی را تحلیل نموده است که می‌تواند افق روشنی برای کارگزاران ایران اسلامی برای ساماندهی و برنامه‌ریزی آینده کشور باشد.

نتیجه‌گیری

قانون کنترل جمعیت، با ابزارهای فرهنگی هم‌چون تبلیغات، ترویج مدرنیته، و تبعیت از سیاست‌های بهداشتی یونسکو در ایران اسلامی اجرا یافت. ناسازگاری کنترل جمعیت با اهداف انقلاب اسلامی در زمینه‌سازی قیام امام عصر علیه السلام و داشتن جامعه منتظر، مشهود است، کنترل جمعیت در ایران پیامدهای ناگواری را به ارمغان آورده که از جمله تأثیرات آن در درازمدت می‌توان به تضعیف جبهه حق، کاهش نیروهای جوانان و نخبه، برهم خوردن تعادل جمعیتی و تهدید مذهب شیعه اشاره کرد. سیاست کنترل جمعیت که با توصیه کشورهای غربی و با حمایت سازمان‌های بین‌المللی در ایران اجرا شد، امروزه باعث تهدید نسل شیعه شده است و نرخ رشد جمعیت ایران را به $\frac{1}{3}$ درصد کاهش داده که می‌تواند زنگ هشدار برای افق چشم‌انداز آینده کشور تلقی گردد. گسترش فرهنگ رفاه‌زدگی و ادعای دفاع از حقوق برابرزن و مرد، از عوامل مهمی است که بحث اکتفا به حداقل فرزندآوری را ترویج کرد. هر چند عواملی مثل اشتغال مادران و کشاندن آنان به صحنه‌های فعالیت اجتماعی و تبلیغات نادرست در مورد سیاه‌نشان دادن فرزندآوری، در روی آوردن خانوارهای ایرانی به سیاست کنترل جمعیت دامن زده است. از این رو، امروزه که خطرات تحدید نسل و کنترل آن مشخص شده، لازم است تا با حمایت از خانواده‌های ایرانی و آگاه‌سازی آنان از اهداف دشمنان، زمینه‌های گذار از این تهدید اجتماعی و ملی را فراهم آوریم.

منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- صحیفه سجادیه
- ابن بابویه، محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، ترجمه علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، اول، ۱۳۶۷ ش.
- اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمّة فی معرفة الأئمة* (ط - القدیمة)، تبریز، بنی هاشمی، اول، ۱۳۸۱ ق.
- امانی، مهدی، *جمعیت شناسی عمومی ایران*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، سمت، اول، ۱۳۸۰.
- تقوی، نعمت الله، *جمعیت و تنظیم خانواده*، تبریز، نشر جامعه پژوه و نشر دانیال، هشتم، ۱۳۸۰.
- حرّعاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۴.
- حسینی طهرانی، سید محمد حسین، *رساله نکاحیه*، کاهش جمعیت ضربه ای سهمگین بر پیکر مسلمین، مشهد، مؤسسه ترجمه و نشر دوره علوم و معارف اسلامی، ۱۴۲۵ ق.
- دقایقی، *کنز العمال*، لبنان، شاعر البیروت، سوم، ۱۴۰۲ ق.
- دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه دهخدا*، زیر نظر محمد معین، تهران، دانشگاه تهران، ششم، ۱۳۴۴.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد بن المفضل، *المفردات فی غریب القرآن*، قم: ذوی القربی، ۱۴۲۳.
- رجالی تهرانی، ولایت فقیه، تهران، انتشارات نبوغ، اول، ۱۳۹۰.
- سبحانی نیا، محمد، *تحدید خانواده*، *تهدید جامعه*، مقاله، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، بلاغ، ۱۳۹۱.
- سوختانلو، زهرا؛ رحمت بادی، اعظم، *تحدید نسل شیعه*، *تهدید جامعه ایران*، معرفت، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۹۲.
- طباطبایی، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه کمره ای، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ششم،

۱۴۱۷ق.

- طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، قم، شریف رضی، چهارم، ۱۴۱۲ ق/ ۱۳۷۰ ش.
- طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن (ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن)، تهران، انتشارات فراهانی، اول، ۱۳۶۰ ش.
- گاردنر، جان ویلیام، جنگ علیه خانواده، ترجمه معصومه محمدی، قم، دفتر مطالعات زنان، ۱۳۸۵.
- گارودی، روزر، تاریخ یک ارتداد: اسطوره‌های بنیانگذار سیاست اسرائیل، ترجمه مجید شریف، تهران، رسا، ۱۳۷۵.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، قم، معارف، چهارم، ۱۳۹۴.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، هفتم، ۱۳۷۷.
- وشمگیر خسروی، حسن، آسیب‌شناسی تحولات ساختار جمعیت در ایران (با رویکرد امنیت اقتصادی)، تهران، مؤسسه تحقیقاتی تدبیر، ۱۳۸۸.